

معنی کلمات مهم فارسی هفتم



معنی کلمات شعر ستایش

- ای یاد تو مونسی روانم :
- ای هست کن اساس هستی :
- کوته ز درت دراز دستی :
- هم تو به عنایت الهی :
- از ظلمت خود رهایی ام ده :
- یار و همدم / روح و جان
- پایه و بنیان
- ظلم و ستم
- لطف و توجه
- تاریکی و گمراهی

معنی کلمات درس اول

- باز هم در کلاس غوغا شد :
- شب‌نم از روی برگ گل برخاست :
- فارغ از سنگ بچه ها باشم :
- تا افق های دور کوچ کنم :
- روز و شب زائر حرم باشیم :
- زنگ تفریح را که زنجره زد :
- کاش روزی به کام خود برسید :
- سر و صدا
- قطره آب
- آسوده و راحت
- کرانه آسمان
- زیارت کننده
- جیرجیرک
- آرزو

معنی کلمات حکایت اندرز پدر

- ایام طفولیت :
- متعبد :
- شب خیز :
- مصحف عزیز بر کنار گرفته :
- طایفه ای گرد ما خفته :
- دوران کودکی
- عبادت کننده ، اهل عبادت
- شب زنده دار
- کتاب قرآن
- گروهی از مردم

دو رکعت نماز ، نماز صبح

• دوگانه ای بگزارد :

معنی کلمات درس دوم

- آب های زالال و شفاف :
- عظمت و جلال :
- جاذبه خالق را با همه وجودم لمس می کردم :
- آب ، این روح مذاب امید :
- به نشانه احترام و وداع :
- سبزه های معصوم :

صاف و شفاف
بزرگی و شکوه
خداوند
ذوب شده ، روان
خدا حافظی
پاک و بیگناه

معنی کلمات درس سوم

- به رغم تلاش دشمنان :
- در برخی از مطبوعات :
- از انحراف نسل جوان سخن می گویند :
- اینها چرا صلاح و پاکدامنی و پارسایی و صداقت جوانان را نمی بینند ؟
- خوبی پاکي تقوا راستگویی
- این مایه افتخار برای ملت ماست :
- جوان باید به کشور خود ببالد :

برخلاف
روزنامه ها
گمراهی
اینها چرا
جوانان را نمی بینند ؟
راستگویی
دلیل ، باعث
افتخار کند

معنی کلمات شعر توفیق ادب

- ای خدا ای فضل تو حاجت روا :
- با تو یاد هیچ کس نبود روا :
- ما چو مرغان حریصی بی نوا :
- بی ادب محروم شد از لطف رب :

لطف و بخشش / برطرف کننده نیازها
جایز ، شایسته
طمعکار / بیچاره و ضعیف
پروردگار ، خداوند

معنی کلمات درس چهارم

- آسمان مثل یک تبسم شد :
- هر چه سرما و هر چه دلسردی :
- کم حوصلگی و دلخوری های بیهوده :
- دوست خوب کیمیا ست :

لبخند
ناامیدی
ناراحتی
کمیاب و باارزش

- تأمل و تفکر و بصیرت : فکر و اندیشه / آگاهی

• معنی کلمات درس ششم

- با اینکه خیلی راحت ولو شده بودند : پراکنده
- هیچ گله ای از تنگی جا نداشتند : شکایت

• معنی کلمات درس هفتم

- شدش گیتی به پیش چشم تاریک : دنیا
- فتاد از پای کرد از عجز فریاد : ناتوانی
- ز نوکاران که خواهد کار بسیار : تازه کار و بی تجربه
- هنوزت نیست پای برزن و بام : کوچه
- حدیث زندگی می باید آموخت : سخن ، داستان ، قصه
- نگشت آسایشم یک لحظه دمساز : همراه
- گهی از گربه ترسیدم گه از باز : پرنده شکاری
- هجوم فتنه های آسمانی : بلا و مصیبت
- نگردد شاخک بی بن برومند : بدون ریشه / پربار و قوی

• معنی کلمات حکایت (دعای مادر)

- نزد من بخسب : بخواب
- یارب تو از وی خشنود باش : خدا یا
- درجه اولیا گردان : مقام و جایگاه
- دعای مادرم در حق من مستجاب شد : برآورده شدن